یادداشت روز

نه حرفه‌ای، نه اخلاقی و نه وطن‌دوستانه

رسانه همان‌اندازه که محل نقد و طرح ایرادات و آسیب‌شناسی مشکلات و کمبودهاست، جایی برای امیدآفرینی و بیان موفقیت‌ها و معرفی پیشرفت‌ها و دستاوردهاست.

رسانه‌ای را می‌توان دلسوز و دغدغه‌مند دانست که وقتی از یک معضل سخن می‌گوید، پس از آنکه آن مشکل رفع شد یا قدمی موثر برای رفع آن برداشته شد نیز از این قدم‌ها یا تلاش‌ها استقبال کند و به آن هم بپردازد.

رسانه‌ای را می‌توان دوستدار وطن دانست که هر موفقیت قابل ارزش و مفید به حال کشور یا هر افتخار و دستاورد امیدبخشی که در عرصه داخلی یا خارجی حاصل می‌شـــود را بدون نگاه سیاست زده بازتاب دهد. حتی اگر نقدی به آن دارد مطرح کند اما اصل موفقیت یا دستاورد مهم را بایکوت نکند.

جریان رسانه‌ای غربگرا و بخش قابل توجهی از رسانه‌های اصلاح‌طلب، در سال‌های اخیر با روشی که در پرداختن به خبرهای امیدبخش و دستاوردهای ملی و بین‌المللی مختلف در پیش گرفته‌اند، بیش از هر چیز ماهیت و عملکرد خود را زیر سؤال برده‌اند.

این جریان در دو سال گذشته که دولتی غیرهمفکر یا ناهمسو با خود را در راس کار دیده‌اند، بیش از همیشه بنا را بر اقدامات غیرحرفه‌ای و شائبه‌برانگیز رسانه‌ای گذاشته‌اند. نمونه‌های فراوانی از این رویکرد رسانه‌ای را می‌توان در سانسور شدید خبری موفقیت‌های امیدبخش یا هرگونه خبری که احتمال بدهند ذره‌ای کارآمدی دولت را نشان می‌دهد مشاهده کرد.

متاسفانه بخش عمده‌ای از این رسانه‌ها، به راحتی و بدون هیچ توجیه حرفه‌ای چشـــم خود را به روی افتتاح طرح‌های مفید و امیدبخش، یا کسب موفقیت در تولید و توسعه بخش‌های صنعتی یا نظامی و موارد مختلف دیگر می‌بندند، در حالی که همین جریان رسانه‌ای از کوچک‌ترین معضل و مشکل در گوشه‌ای از کشور که قابلیت پمپاژ ناامیدی یا سیاه‌نمایی علیه دولت یا نظام را داشته باشد در بیشترین حجم ممکن استقبال می‌کنند و جالب اینکه وقتی با تلاش و پیگیری مسئولان، آن مشکل رفع می‌شود موضوعی که ظاهراً برای آنها اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته و برای آن گریبان چاک می‌کردند به ناگاه فاقد هرگونه ارزش خبری می‌شود!

به عنوان مثال، با کوچک‌ترین اختلال در آبرسانی به یک شهر یا حتی یک روستا که گاه ممکن است ریشه در کم‌کاری چندسال قبل داشته باشد به یکباره تصاویر و تیترهای درشت مربوط به این مشکل بخش‌های زیادی از صفحات نخست این روزنامه‌ها و سایت‌ها را به خود اختصاص می‌دهد اما وقتی وزارت‌خانه‌های مختلف یا نیروهای جهادی و نهادهای نظامی و غیرنظامی برای حل این مشکل و رفع کم‌کاری‌های گذشته پای کار می‌آیند یا در زمانی کوتاه با تلاش دولت کیلومترها لوله‌گذاری در مسیرهای سخت انجام یا تصفیه‌خانه‌هایی افتتاح شده و مشکل آبرسانی شهرهای مختلف و بخش‌های عمده‌ای از یک استان به صورت ریشه‌ای رفع می‌شود، از آنجا که این گره‌گشایی و خدمت و کار بزرگ انجام شده ممکن است باعث امیدآفرینی و نمایش کار و تلاش دولت شود در بسیاری از همان رسانه‌ها ردی از این خبر خوب دیده نمی‌شود! سؤال از این رسانه‌ها اینجاست؛ مگر شما دغدغه حل مشکل آب مردم را نداشتید، حالا که حل شد کجائید؟!

گاه یک خبر آنچنان مهم و قابل توجه است که برخی رسانه‌های خارجی با همه دشـــمنی‌ها و زاویه‌هایی که با ایران دارند و موفقیت‌ها را سانســـور می‌کننـــد هم نمی‌توانند از آن عبور کنند یا به اهمیت آن اعتراف نکنند اما برخی رسانه‌های غربگرا و اصلاح‌طلب به راحتی همان آب خوردنی که مثلاً دغدغه‌اش را داشتند از کنار آن عبور می‌کنند. به عنوان مثال؛ ایران به موفقیت بسیار بزرگ تولید موشک‌های «هایپرسونیک» دست پیدا می‌کند، این خبر مهم بازتاب قابل توجهی در رسانه‌های خارجی و داخلی پیدا می‌کند اما برخی از همین جریان رسانه‌ای غربگرا، کمترین اهمیت یا اهمیت قابل توجهی به این موفقیت مهم صنایع نظامی کشوری که روزگاری وابسته به واردات سیم خاردار بود نمی‌دهد!

نمونه دیگر اینکه؛ با تلاش قابل تقدیر دولت و وزارت نیرو در تامین برق خانگی و صنعتی، بسیاری از مردم، خاطره خاموشی‌های گسترده و کلافه‌کننده تابستانی و حتی زمستانی در دولت قبل را فراموش کرده‌اند. آیا آن‌طور که باید در رسانه‌های غربگرای داخلی خبر یا گزارشی از این دستاورد عظیم و امیدبخش و رضایت‌آفرین دولت به چشم می‌خورد؟ این خبر کم اهمیت است یا اینکه اشکالش این است که به دست دولتی غیرهمسو محقق شده است؟ شاید هم چون باعث امیدبخشی شده است محکوم به سانسور است؟ راستی اگر در این دولت یک دهم خاموشی‌های دولت قبل را داشتیم بازهم شاهد ســـکوت رسانه‌ای در این جریان بودیم یا خاموشی را به مسئله اول کشور و بهانه‌ای برای ناامیدی و یاس‌آفرینی در بین مردم تبدیل می‌کردند؟

برخی از این جریان رســـانه‌ای سعی ویژه‌ای دارند تا این‌گونه القا کنند، جامعه ایرانی از شادی و نشاط به دور است، اما همین افراد وقتی جشن‌های باشکوه و مفرحی با حضور چندین میلیونی اقشار و سلایق مختلف مردم در عید غدیر برگزار می‌شود از جمله راهپیمایی ده کیلومتری در تهران و مراسمات مشابه در استان‌های مختلف، از انعکاس تصاویر و خبرهای این نشاط جمعی خودداری می‌کنند!

عده‌ای در همین جریان رسانه‌ای همواره به روش‌های مختلف اصرار دارند که جامعه ایرانی از دینداری و عمل به شعائر مذهبی رویگردان شده است، اما همین رسانه‌ها وقتی به راهپیمایی عظیم اربعین و حضور چندین میلیون زائر ایرانی از اقشار و سنین مختلف در این مراسم یا مراسمات شب‌های قدر و ماه محرم و استقبال انبوه جوانان و مردم، یا حضور چشمگیر نوجوانان در همخوانی سرودهای مذهبی می‌رسند، بنا را بر سانسور یا عبور بی‌سرو صدا از کنار ماجرا می‌گذارند!

جریانی که طی ۸ سال، همگام با دولت قبل، زندگی مردم و امورات کشور را به امضای «کری» و قدم زدن با او و به وعده‌های توخالی غرب گره زده بود و به قول و اعتراف یکی از مدیران مسئول این روزنامه‌ها عامدانه دست به بزک غیرواقعی برجام می‌زد، امروز وقتی افزایش تولید و فروش نفت و افزایش درآمد کشور، یا ساخت پروژه عظیم فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی به دست جوانان این کشور، پیوستن ایران به سازمان «شانگهای» یا پذیرش عضویت رسمی ایران در گروه «بریکس» و گشـــوده شدن دروازه‌های جدید جهانی به روی کشور بدون آن برجام بزک شده و مترسک FATF را می‌بیند، یا جریانی که ورود چند هواپیما پس از برجام را در صفحات خود تا حد جشن ملی‌پوشش می‌دادند اما امروز ورود ۶۰ هواپیمای جدید به ناوگان کشور را نمی‌بیند، باز هم سانسور و عبور از کنار این خبرهای مهم را ترجیح می‌دهد.

حال سؤال این‌جاســـت، آیا خبرهای مهمی همچون؛ پیوستن ایران به ســـازمان «شانگهای»، عضویت رســـمی ایران در گروه «بریکس»، ساخت پروژه عظیم فاز ۱۱ میـــدان گازی پارس جنوبی، راهپیمایی عظیم اربعین با حضور چندین میلیون زائر ایرانی، شـــادی و نشاط عمومی در راهپیمایی ده کیلومتری عید غدیر، پایان خاموشی‌های گسترده، افتتاح چندین تصفیه خانه و بهره‌برداری از طرح‌های مهم و زیربنایی آبرسانی به مناطق دوردست، تولید موشک «هایپرسونیک» و ده‌ها نمونه دیگر از موفقیت‌ها و دستاوردهای اخیر، ارزش خبری نداشته‌اند یا تنها به جرم اینکه در دولتی غیرهمسو رخ داده و از طرفی کم‌کاری چندین ساله دولت مورد حمایت این جریان را بیش از پیش برملا می‌سازد و باعث افزایش امید در بین مردم می‌شود به تیغ سانسور و بایکوت سپرده می‌شوند؟

آیا این مدعیان حرفه‌ای بودن در کار رسانه که معمولاً غیر از فکر و مسیر خود را قبول ندارند، این مدل کار رسانه‌ای و سانسور شدید موفقیت‌های ملی و بین‌المللی و نپرداختن به کارهای بزرگ و امیدبخش انجام شده در کشور را حرفه‌ای می‌دانند؟ قطعاً با هر متر و معیاری چنین رویکردی نه حرفه‌ای و نه اخلاقی و نه وطن‌دوستانه است. آیا این جریان فکر نمی‌کنند مردم آن روستا یا شهری که رفع مشکل دیرین آب شرب یا گاز و راه ارتباطی خود به دست دولت را به چشم می‌بینند، نمی‌شود با تیترهای انحرافی و سانسور فریب داد؟!

نکته دیگر اینکه در موارد بسیاری می‌توان هماهنگی عجیب و قابل تامل درخصوص پرداختن یا نپرداختن به یک موضوع یا موفقیت و خبر را در بین جریان رسانه‌ای غربگرا با آنچه مطلوب و مورد توجه غربی‌هاست مشاهده کرد، آیا این هماهنگی اتفاقی است یا...

در پایان ذکر این نکته خالی از لطف نیست که رویکرد روزنامه کیهان در سال‌ها و دولت‌های مختلف و از جمله در هشت سال مدیریت دولت قبل که طبیعتاً از نظر سیاسی و تفکر متفاوت و غیرهمسو محسوب می‌شد، با همه کم‌کاری‌های آزاردهنده آن دولت، ضمن نقد و نظر و بیان مخالفت‌ها، پرداختن به اقدامات مفید یا پوشـــش مناسب و مصور خبرهایی از افتتاح پروژه‌ها یا سفرهای اســـتانی رئیس‌جمهور، همچنین انتشار خدماتی که می‌توانست امیدبخش باشد بود تا جایی که بارها افراد مختلف تاثیرگذار در جریان سیاسی مقابل، در بین خود، از این اقدام کیهان و قربانی نکردن منافع ملی پای اختلافات سیاسی و پوشش خبری مناسب خدمات دولتی غیرهمسو، به عنوان اقدامی حرفه‌ای و اخلاقی و قابل تحسین یاد کرده بودند.

عباس شمسعلی

با رشادت غیورمردان سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع

بزرگ‌ترین خرابکاری در صنایع موشکی خنثی شد وحشت اسرائیل از واکنش ایران

ســـازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح توانست طی طرحی پیچیده از خرابکاری موســـاد در صنایع موشکی وزارت دفاع پیشگیری کند.

یکی از پیچیده‌ترین و بزرگ‌ترین طرح‌هـــای اطلاعاتـــی و همچنیـــن، امنیتی در طول سال‌های اخیر برنامه خرابکاری صنعتی سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی (موساد) در صنایع موشـــکی وزارت دفـــاع و پشـــتیبانی نیروهای مسلح توسط سازمان حفاظت اطلاعات این نهاد خنثی شد.

طی ماه‌های گذشـــته یک شبکه کاملاً حرفـــه‌ای و کارآزموده که قصد داشت با همکاری برخی عوامل نفوذی قطعات معیوب و تجهیز شده را در تولید موشک‌های پیشرفته در صنایع موشکی وزارت دفاع به‌کارگیری کند و به چرخه تولید وارد کند در تور اطلاعاتی سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع گرفتار و متلاشی شد.

با اجرای این طـــرح کاملاً موفق کلیه مسیرها و فعالیت‌های موساد برای تامین و انتقال قطعه مورد نظر آنان به همراه افسران خارجی و عوامل داخلی آنان شناســـایی و در چتـــر اطلاعاتی قرار گرفتند.

رژیم صهیونیستی در شوک است

به گفتـــه یک مقام مســـئول در حفاظت اطلاعـــات وزارت دفاع، رژیم صهیونیســـتی تا چندی قبل مطمئن بود که طرح خرابکاری صنعتی و انتقال قطعات معیوب به صنایع موشکی وزارت دفاع با موفقیت اجرا شـــده است ولی پس از واردشدن ضربه اخیر به شبکه خرابکاری فوق از عمق شکســـتی که در جریان این عملیات متحمل شـــده همچنان در شوک است.

او با اشاره به خودکفایی کشور در زمینه طراحی و تولید انواع ســـامانه‌ها و موشـــک‌های مورد نیاز در بردهای مختلف، طی سال‌های اخیر پروژه‌های چند لایه اطلاعاتی و امنیتی با پوشش خرید قطعات برای فریب سرویس‌های حریف طراحی و اجرا شده است.

این مقام مســـئول امنیتی افزود: صنایع موشـــکی وزارت دفاع علاوه‌بر تولید قـــدرت نظامـــی و دفاعی قابل ملاحظه برای کشـــور، بستر مناسبی برای به دام‌انداختن شبکه‌های پیچیده جاسوسی و نفوذ و وارد کردن ضربات اساســـی به ظرفیت‌هـــای اطلاعاتی سرویس‌های حریف نیز بوده است.

او خاطر نشـــان ساخت: با عنایت حضرت ولی‌عصر(عـــج) طی ماه‌های گذشـــته شـــبکه‌ای کاملا حرفه‌ای و کارآزموده که قصد داشت با همکاری برخی عوامل نفوذی قطعات معیوب و تجهیز شده را در تولید موشک‌های پیشرفته در صنایع موشکی وزارت دفاع به‌کارگیری کند و به چرخه تولید وارد کند در تور اطلاعاتی سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع گرفتار و متلاشی شد.

او تصریح کـــرد، علی‌رغم برنامه بسیار پیچیده دشـــمن صهیونیستی، بـــا عنایت پـــروردگار و تلاش بی‌وقفه ســـربازان گمنام امام زمـــان (عج) در سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع این اقدام دشمن صهیونیستی از همان ابتـــدا تحت رصد اطلاعاتی و عملیاتی قرار گرفت و با دستگیری عوامل آن به طور کامل خنثی گردید.

فردی که پروژه خرابکاری موساد در وزارت دفاع را لو داد فردی غیرنظامی و از شرکت‌های تهیه قطعات است

سردار رضا طلایی‌نیک سخنگوی وزارت دفاع نیز در تشریح خنثی‌سازی خرابکاری صنعتی موســـاد در صنایع موشـــکی، گفـــت: علـــت توطئه‌های گوناگـــون رژیم صهیونیســـتی علیه جمهـــوری اســـلامی ایـــران قـــدرت بازدارندگی ما اســـت کـــه از صنعت دفاعی قدرت موشکی و سایر مولفه‌های اقتدار ما ناشی می‌شود.

سردار طلایی‌نیک در ادامه تصریح کرد: ما از دو دهه قبل که پیشرفت‌های صنعت دفاعی را داشتیم و محصولات و برنامه‌هـــای جدیـــد در حال به ثمر نشســـتن بود، شناســـایی شبکه‌های اخلالگر دشـــمن جـــزو ماموریت‌های حفاظت اطلاعات وزارت دفاع بود.

وی افـــزود: مامـــوران حفاظـــت اطلاعات وزارت دفاع حدود ۹ ســـال قبل در ســـال ۱۳۹۳ متوجه می‌شوند که یک تمرکز اطلاعاتی توسط موساد روی برخی موضوعات از جمله همین قطعه کانکتور در داخل صنعت دفاعی وجـــود دارد. آنها موفق می‌شـــوند در ســـال ۹۵ علائم و اطلاعات اولیه را به دست بیاورند.

وی ادامـــه داد: وقتی ما این قطعه (کانکتور) را در آن ســـال‌ها از طریق مســـیر تامین، انتقـــال و خرید تامین می‌کردیـــم، دشـــمن کار شناســـایی شبکه‌ها و شرکت‌هایی که این قطعه را به وزارت دفاع تحویل می‌دهند را آغاز می‌کند. البته این کار با واسطه‌هایی که اتفاق می‌افتد. دشمن شناسایی اولیه را انجام می‌دهد و به برخی از این عناصر نزدیک می‌شود که برخی از این عناصر را در شـــبکه نفوذ و جاسوسی خود در داخل و خارج کشور قرار می‌دهد.

سخنگوی وزارت در تشریح سایر ابعاد و زوایا توطئه موساد علیه صنایع موشـــکی، عنوان کرد: آنهـــا از طریق حضور در یک از کشـــورهای همسایه ما فردی را شناســـایی می‌کنند که در سال‌های گذشته یعنی همان سال ۹۵ در فرآیند تامین این قطعه (کانکتور) نقش داشته است.

وی افزود: پس از شناســـایی این فرد، وی را با خود مرتبط می‌کنند و از طریـــق این فرد به عناصری که هم در برخی کشورهای اروپایی و هم در برخی کشورهای آسیای شرقی با این شبکه تامین مرتبط بوده، متصل می‌شـــوند. البته اتصال آنها با عوامل داخل کشور از طریق چند واسطه انجام شده بود.

بقیه در صفحه ۱۱

رسانه‌های معاند برای «فرد حامی اوباش» سنگ تمام گذاشتند

بعد از اخراج به دلیل عدم صلاحیت علمی نوبت محاکمه «شریفی زارچی» است

سرویس سیاسی-

در روزهای اخیر از شـــبکه تروریستی اینترنشنال گرفته تا رســـانه‌های بدنامی همچون بی‌بی‌ســـی و صدای آمریکا و رادیوفـــردا، همگـــی به دفاع تمام‌قـــد از شـــریفی زارچی پرداخته‌انـــد. به نظر شـــما رســـانه‌های معانـــد، دلواپس تحصیـــل دانشـــجویان عزیز کشورمان هستند؟!

اخیرا رئیس‌دانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه شریف اعلام کرده که با اخراج شریفی زارچی مخالف اســـت. این اظهارنظر غیرحرفه‌ای و تأمل برانگیز در حالی اســـت که شـــریفی زارچی از ســـوی مراجع ذی‌ربط فاقد صلاحیت علمی برای تدریس در دانشگاه شریف شناخته شده است.

به عبارت دیگر، همان مرجعی که صلاحیت‌علمی‌رئیس‌دانشکده‌مهندسی کامپیوتر دانشگاه شریف را اعلام کرده است، به عدم صلاحیت علمی شریفی زارچی رأی داده است. اما گویا عده‌ای، به رفتارهای «دیکتاتورمآبانه» و «قبیله‌ای» و «باندی» عادت کرده‌اند.

در روزهای گذشـــته سخنگوی وزارت علوم اعلام کرد: هیئت جذب دانشگاه وی را فاقد صلاحیت علمی یا عمومی دانســـته و قرارداد وی را تمدید نکرده اســـت. همچنین طی نامه‌ای به مرکز جذب اعضای هیئت علمی جذب وزارت علوم ارجاع شده و در هیئت مرکـــزی جذب هم به اتفاق آرا این حکم تأیید شده است.

اینکـــه فـــردی به دلیـــل عدم صلاحیت علمی، از مســـند اســـتاد دانشـــگاه کنار گذاشـــته می‌شود، اقدامی شایسته و قابل دفاع و البته قابل تقدیر است. اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شـــود. شریفی زارچی یکی از حامیان اوباش و تروریست‌ها در اغتشاشات ســـال گذشته بوده است.

وی از جمله افرادی است که با سوءاستفاده از جایگاه خود، در آتش اغتشاشات دمیده و در خون‌هایی که به واسطه اغتشاشات سال گذشته بر زمین ریخته شد، شریک است.

بنابراین، علاوه‌بر اخراج این فرد به دلیل عدم صلاحیت علمی، وی باید به این خاطر که در آشوب‌های ســـال گذشـــته فعال بوده اســـت، بازداشت و محاکمه شود.

براســـاس مستندات موجود که در رســـانه‌ها نیز منتشر شده است، شـــریفی زارچی که امـــروز چهره اپوزیسیون به خود گرفته است، در زمان همه‌گیری کرونـــا، در وزارت بهداشت دولت روحانی حضور داشت و به عنوان «رئیس‌مرکز مدیریت آمار و فناوری اطلاعات وزارت بهداشت» آمار کرونا را دستکاری می‌کرد.

دو مورد ساده از وظایف زارچی در دوران حضورش در وزارت بهداشت، اعلام «رنگ‌بندی‌های کرونایی» و «مدیریت ســـامانه واکسیناسیون» بـــود. زارچی در ویدئویـــی اعتراف کرده اســـت: «تمام رنگ‌بندی‌ها و این‌که کجا را قرمـــز کنیم، کجا را زرد کنیم، در چند ماه گذشته توسط شخص من، انجام می‌شده است. من در چند ماه گذشته، با همین آن و آف کردن، تصمیـــم می‌گرفتم که کدام امام جمعه نماز بخواند، کدام نخواند. من تصمیم گرفتم کدام شهر بسته یا باز شود.»

زارچـــی در ادامه اعترافات خود درخصوص آمارســـازی‌هایش اشاره کرده اســـت کـــه بدون هماهنگی، ۴۳ شهر را بدون هیچ دلیل منطقی، سیاه کرده و وزارت بهداشت و ستاد کرونا را به این نتیجه رساند که این شهرها را قرنطینه کنند.

در فضـــای مجـــازی امـــروز از شـــریفی زارچی به عنوان «نخبه» یـــاد می‌کنند؛ این درحالی اســـت کـــه در زمان حضـــورش در وزارت بهداشت، انتقادات شدیدی به سامانه واکسیناسیون و رنگ‌بندی‌های کرونا تحت مدیریت زارچی، در رسانه‌ها مطرح بود.

وی در مقطعـــی که اســـتادیار پیمانی دانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه شریف بود نیز با سوءاستفاده از جایگاه خود، به‌جای انجام وظایف خود در کســـوت اســـتاد دانشگاه، مشـــغول توئیت بازی و حمایت از اوباش و تروریست‌ها بود.

در روزهـــای اخیـــر از شـــبکه تروریســـتی اینترنشـــنال گرفته تا رسانه‌های بدنامی همچون بی‌بی سی و صدای آمریکا و رادیوفردا، همگی به دفاع تمام قد از شـــریفی زارچی پرداخته‌اند. به نظر شما رسانه‌های معاند، دلواپس تحصیل دانشجویان عزیز کشورمان هستند؟!

گفت و شنود

سفید یا سیاه؟!

گفت: رئیس دانشـــکده کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف با اخراج شریفی‌زارچی مخالفت کرده است!

گفتم: جرم این به اصطلاح استاد دانشگاه، همراهی و همکاری با اغتشاشـــگران و حمایت از اراذل و اوباشی است که با اسلحه گـــرم و قمه و چاقو به پلیس و مردم کوچه و بازار حمله کرده و آنها را به قتل رســـانده‌اند، آمبولانس‌های حامل بیمار را آتش زده‌اند، بسیجیان بی‌سلاح را شکنجه و به شهادت رسانده‌اند، قرآن ســـوزانده‌اند و در یک کلمه برای سرویس‌های اطلاعاتی دشـــمن مزدوری کرده‌اند و... به رئیس‌دانشکده چه ربطی دارد که با اخراج او مخالفت کند؟!

گفت: چه عرض کنم؟! اگر رئیس دانشکده از جنایت‌های او با خبر نیست چرا دخالت می‌کند و اگر با خبر است که ... بالاخره یا خبر داشته یا خبر نداشته، حالت سومی که وجود ندارد!

گفتم: یارو رفته بود قصابی، پرسید جگر دارید؟ قصاب گفت؛ بله داریم، جگر سفید یا سیاه؟ یارو پرسید؛ رنگ دیگه ندارید؟!... الان چند روزه که مغازه قصابی بسته ست. میگن قصاب مغازه سکته کرده!

خبر ویژه

به معیشت مردم آسیب زدند از موفقیت‌های دولت نگرانند

روزنامه حامی دولت قبل بی‌آنکه به معدل تقریبا صفر درصدی دولت روحانی اشاره کند، مدعی شد رشد ۴ درصدی در دولت رئیسی چنگی به دل نمی‌زند(!)

روزنامه هم‌میهن وابسته به غلامحســـین کرباسچی در سرمقاله خود نوشت: «اگر بخواهیم در میان دولت‌های پس از انقلاب، خوش‌شانس‌ترین دولت را نام بریم، یکی دولت اول آقای هاشمی است و دیگری دولت آقای رئیسی. البته، دولت احمدی‌نژاد هم از حیث دیگری خوش‌شانس بود. دو دولت اول از حیث حمایت دربست تمام قوای حکومتی از آنان و نیز در اختیار داشتن همه رسانه‌ها و محدودیت منتقدان خوش‌شانس بودند. البته، شاید چنین وصفی به‌نوعی بدشانسی هم باشد، چون این یکدستی‌ها در بلندمدت و حتی کوتاه‌مدت نیز موجب ناکارآمدی می‌شود. البته، تنش‌های بیش از اندازه هم اصلاً خوب نیست، ولی فقدان مخالف و منتقد یک عارضه سیاسی است. در هر حال، برای این دولت موانع خدمت مفقود است و هیچ توجیهی در عدم تحقق وعده‌ها پذیرفتنی نیست. چنان‌که در بیانات رهبری هم عنوان شد، بهبود شرایط برای مردم ملموس نیست.»

این روزنامه اضافه کرد: «درباره تحریم‌ها باید گفت، برخلاف دولت قبل که عده‌ای در حکومت و تعداد بیشتری هم در بیرون آن به‌شدت چوب لای چرخ دولت می‌گذاشتند و حتی تحریم‌ها را مثبت می‌دانستند، در این دولت که خود را ملتزم به رهنمودهای رهبری معرفی می‌کنند، همه شرایط برای حل این مسئله در اختیار دولت است. منتقدان بیرونی دولت هم صددرصد حامی رفع تحریم‌ها هستند. در داخل حکومت و رسانه‌های رسمی نیـــز حتماً هر اقدامی از جمله رفع تحریم‌ها را چندبرابر تبلیغ و حمایت می‌کنند؛ مثل دیگر اقدامات خارجی این دولت، و این دقیقاً در نقطه مقابل وضعیت دولت پیش است.

مسئله اصلی ارزیابی نتایج عملکردی دولت‌هاست. ما نیز بارها گفته‌ایم که حاصل هر اقدامی در دولت باید خود را در کاهش تورم و نابرابری و افزایش تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز و رشـــد اشـــتغال نشـــان دهد. اینکه آنها را به گردن دولت‌های قبل یا بیگانگان بیندازید نه‌فقط رافع مسئولیت این دولت نیست، بلکه عذر بدتر از گناه هم هست. همه این شاخص‌ها در دو سال گذشته یا بدتر از قبل بوده یا مطابق انتظار نبوده است. وضعیت تورم و نرخ ارز که بسیار روشن است. نابرابری تغییر معناداری نکرد. این به‌رغم آن است که یارانه‌ها ۳ تا ۴ برابر بیشتر شده در حالی که باید ضریب جینی را به‌شدت کم می‌کرد. این نشان می‌دهد که سازوکار اصلی اقتصاد در مسیر نابرابری بود که به‌رغم پرداخت یارانه‌ها ضریب جینی تغییر معناداری نداشـــته است. افزایش بی‌ثباتی بازار نیز در رشد نرخ‌های تورم و هم در ارز دیده می‌شود. افزایش تولید ناخالص داخلی نیز در حد ۴ تا ۴/۵ درصد چنگی به دل نمی‌زند زیرا دولت روحانی در اوج کرونا و تحریم‌های ترامپ در ســـال ۹۹ بیش از ۳ درصد رشد ایجاد کرد، ضمن اینکه درآمدهای نفتی آن دولت در حداقل بود ولی در دولت کنونی به‌دلیل شل شدن تحریم‌ها، درآمدهای نفتی بیشتر شده است. در هر حال، معیارها برای ارزیابی کار دولت همین‌هاست که گفته شد، همین و دیگر هیچ».

درباره این تحلیل روزنامه هم‌میهن گفتنی اســـت: ۱) دولت روحانی ضمن اینکه با مجلس همسو مقارن بود، دارای بیشترین و کم‌سابقه‌ترین اختیارات هم بود که امضا و اجرای توافق برجام با وجود خسارت‌های هنگفتش، و همچنین بیشترین مجوز برداشت از حساب ارزی، از جمله این اختیارات بوده است. اما خروجی این اختیارات، دو برابر شدن شمار تحریم‌ها از یک‌طرف و شکستن رکوردهای منفی اقتصادی (مانند: تقریبا صفر شدن معدل رشد اقتصادی ۸ساله، هفت برابر شدن نقدینگی، ثبت بالاترین رکورد تورم، بالاترین ارقام استقراض و فروش اوراق، صفر کردن خزانه ارزی و تحویل دولت با ۴۸۰ هزار میلیارد تومان کسری و ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی، ۵۳۰ هزار میلیارد بدهی اوراق، و...) بود.

۲) رفتار و گفتار دولت قبل، مبتنی بر لغو تحریم‌ها نبود بلکه نوعی از دیپلماســـی مستأصل و التماسی بود که از متن آن ۹۰۰ تحریم جدید علاوه‌بر ۸۰۰ تحریم ما قبل برجام، پدید آمد و پایه این تحریم‌افزایی هم در دولت اوباما و با تحریم‌های ویزا و آیسا و سیسادا و ریل‌گذاری تحریم‌های کاتسا گذاشته شد. برخلاف ادعای روزنامه غربگرا مبنی‌بر اینکه درباره (لغو) تحریم‌ها، از داخل چوب لای چرخ دولت روحانی گذاشته شد، این رفتار خود دولت وقت بود که با واگذاری همه امتیازات در روز قبل از اجرای رســـمی برجام، دستش را از ابزار فشار بر غرب خالی کرد و بنابراین آمریکا و اروپا با مشاهده درماندگی دولت معطل لغو تحریم‌ها، همین وضعیت را ابزار باج‌ستانی بیشتر قرار داد و دولت روحانی را به مدت چند سال سر کار گذاشت تا بی‌تحرکی و فشلی مدیریتی موجب توقف نرخ رشد اقتصادی و تولید شرایط رکود تورمی شود.

۳) روزنامه هم‌میهن، درباره رشد اقتصادی ۴ درصدی می‌نویسد که این رقم چنگی به دل نمی‌زند(!) و حال آنکه این رقم را با معدل ۶دهم درصدی در دولت برجام مقایسه کرد و ضمنا به یاد آورد که رشد فعلی، بدون برجام، با وجود تحریم‌ها و همچنین در کنار جبران کسری بودجه ۴۸۰ هزار میلیاردی، تسویه ۲۷۰ هزار میلیارد تومان بدهی سود اوراق، تسویه ۱۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی به صندوق‌های بازنشستگی، اختصاص ۴۰ هزار میلیارد برای رتبه‌بندی معلمان و ۵۴ هزار میلیارد برای تسویه بدهی بانک مرکزی اتفاق افتاده است. دولت رئیسی با وجود کسری مورد اشاره، ۴۶۴ هزار میلیارد تومان از بدهی‌ها و تعهدات دولت قبل را هم ظرف دو سال تسویه کرده. و اگر آن میراث کسری‌ها و بدهی‌ها در میان نبود، قطعا رقم رشد بهتری رخ می‌داد و کاهش نرخ تورم از ۱۷ درصد فعلی به مراتب بیشتر و ملموس‌تر می‌شد.

۴) روزنامه غربگرا با ادبیاتی مبهم و آمیخته به تحریف می‌نویسد: «درآمدهای نفتی دولت قبل در حداقل بود ولی در دولت کنونی به‌دلیل شل شدن تحریم‌ها، درآمدهای نفتی بیشتر شده است». چرا در دولت برجام حتی مقارن با دولت بایدن، درآمدهای نفتی کشور سقوط کرد اما اکنون افزایش چشمگیری یافته است؟ تحریم‌های نفتی شل نشده و آمریکا بنابر اعلام وزارت خارجه‌اش سختگیرانه‌ترین تحریم‌ها را اعمال می‌کند، اما دولت رئیسی با اهتمام برای بی‌اثر کردن تحریم‌ها و دور زدن آن، توانسته صادرات نفت را از ۳۰۰ هزار بشکه به قریب دو میلیون بشکه افزایش دهد و به همین دلیل، محافل آمریکایی و اروپایی افزایش چشمگیر صادرات نفت ایران را به نشانه مهم شکست تحریم‌ها ارزیابی می‌کنند.

۵) در موضوع ســـفره و معیشـــت مردم که حتما معیار مهم و نهایی برای سنجش عملکرد اقتصادی دولت است، باید عنایت داشت که جبران هشت سال پسرفت اقتصادی آن هم با مجموع تورم چندصد درصدی (در برخی اقلام ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ درصدی) حتما به زمان نیاز دارد، هرچند که دولت تلاش دارد این دوره زمانی را کوتاه‌تر کند. در عین حال باید به روزنامه حامی اغتشاشات یادآور شد که آشوب‌افکنی به قصد کاهش یا توقف روند رشد اقتصادی ایران، نقشه مکمل دشمن برای تقویت اثرگذاری تحریم‌ها بود که متاسفانه جریان غربگرا در این میدان آزمون هم امتحان بدی پس‌داد و با برنامه دشمن برای ضربه زدن به رشد عمومی اقتصاد ایران همراهی کرد. بر این مبنا، آنها متهم ایراد خسارت به معیشت مردم هستند، هرچند که بر مبنای نتایج خیانت خود در حق اقتصاد کشور، زبان به طعنه و طلبکاری هم بگشایند. به بیان دیگر، علت اینکه غربگرایان از موفقیت‌های دولت فعلی شاکی هستند، نه غصه معیشت مردم، بلکه به این خاطر است که یک‌بار به‌واسطه سوءمدیریت در دولت قبل و نوبت دوم با کارشکنی و آشوب‌افکنی سعی کردند اقتصاد ایران و معیشت مردم را نابود کنند و حالا که می‌بینند دولت در مسیر درست رشد اقتصاد قرار گرفته، با روایت وارونه مسائل، عقده‌گشایی می‌کنند.

رادیو فردا: گروه بریکس نقطه مقابل جهان تک قطبی به رهبری آمریکاست

ارگان رسانه‌ای سازمان سیا اذعان کرد رویای آمریکایی جهان تک قطبی به واسطه پیمان‌هایی مانند بریکس به سر آمده و ایران به اعتبار اقتدار و نقش موثرش در این مسیر، به عضویت در بریکس دعوت شده است.

وبسایت رادیو فردا، در تحلیلی که درماندگی در آن موج می‌زند، سعی کرده بریکس و عضویت در آن را کم اهمیت نشان دهد؛ اما ضمنا اذعان کرده که رشته امور از دست آمریکا در رفته است. تحلیلگر رادیو فردا می‌نویسد: جمهوری اسلامی تبلیغ می‌کند که با عضویت در بریکس در تحقق سه هدف غرب ستیزی، دلارزدایی از مناسبات بین‌المللی و خنثی‌سازی تحریم‌ها، امکاناتی قابل اعتنا به دست آورده است.

در پانزدهمین اجلاس سران بریکس، نهایتاً شش کشور دیگر به عضویت این گروه درآمدند و شمار اعضا به ۱۱ کشور رسید. ۲۳ کشور خواهان ورود به بریکس هستند.

سال ۲۰۰۹ که اولین اجلاس سران بریکس تشکیل شد، هدف آن هماهنگی بیشتر در امر تجارت میان کشورهای عمده صنعتی نوظهور بود. بعدتر ایجاد یک بانک توسعه مشترک و نهادی شبیه صندوق بین‌المللی پول و حرکت در جهت یک ارز مشترک هم در دستور کار قرار گرفت. در عمل اما اهداف و اغراض ژئوپلتیک و نوعی هماوردی علیه غرب هم، دست‌کم از سوی بخشی از اعضای بریکس، موضوع کار است.

در گزینش اعضای جدید، هم جغرافیا هم شمار جمعیت هم ژئوپلتیک و هم اقتصاد و انرژی نقش مهمی داشته‌اند. برای مجموعه بریکس اهمیت داشته که کشورهای با جمعیت نسبتاً بالا یا اقتصادهای قوی و از مناط